




University of Tehran Press

A Comparative Study of the Laws of Iran and the United States Regarding the Protection of Women in the Post-War Era

Elaheh Koolaee¹  | Hossein Komeili Esfahani² 

1. Corresponding Author; Professor, Department of Regional Studies, Faculty of law and Political sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: ekolae@ut.ac.ir
2. Ph. D in Private Law, Faculty of law and Political sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: hkesfahani@ut.ac.ir

| Article Info | Abstract |
|--|---|
| Article Type: Research Article | There is no doubt that during wars, women have not only been the victims, but they have also been considered as influencers. Thus, in many international activities they are the aims of many conventions and resolutions based on planning for protecting them and keeping their human rights. Of course, in the domestic level, there are a process of law making and policy implementation to defend women in the time of armed conflicts and after that, especially in the process of peace keeping. The authors with a critical approach examine different policies and programs in this respect in Iran and the US and show disparity between men and women in this regard. This inequality is mainly the result of functions of social and cultural infrastructures of the societies. Although in Iran the procedures of law making has many difficulties in its nature. The main question of this paper is that: what is the impact of gender consideration in the implementation of protective rules for the people who have been engaged in different stages of the war? The authors focus on positive discrimination to reduce neglected condition of women in this respect in Iran. |
| Pages: 1513-1536 | |
| Received: 2021/08/23 | |
| Received in revised form: 2021/10/29 | |
| Accepted: 2021/11/08 | |
| Published online: 2023/09/23 | |
| Keywords: c | |
| How To Cite | Koolaee, Elaheh; Komeili Esfahani, Hossein (2023). A Comparative Study of the Laws of Iran and the United States Regarding the Protection of Women in the Post-War Era. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 53 (3), 1513-1536. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.328279.2845 |
| DOI | 10.22059/JPLSQ.2021.328279.2845 |
| Publisher | University of Tehran Press.  |



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۱۱۳۹-۲۴۳۳

دوره ۵۳، شماره ۳

پاییز ۱۴۰۲

Homepage: <http://jplsqt.ut.ac.ir>

مطالعه تطبیقی حقوق ایران و آمریکا در زمینه حمایت از زنان در دوره پسا جنگ^۱

الهه کولایی^۱ | حسین کمیلی اصفهانی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ استاد گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: ekolae@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hkesfahani@ut.ac.ir

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|--|--|
| <p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۵۱۳-۱۵۳۶</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۲</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۰۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: اصل برابری، تبعیض روا، تعارض‌های مسلحانه، حقوق زنان، سهمیه.</p> | <p>بی‌تردید زنان در جریان جنگ‌های گوناگونی که جامعه بشری با آن روبه‌رو بوده، نه تنها قربانی منفعل نیستند، بلکه افرادی با ظرفیت‌های تأثیرگذار برآورد می‌شوند. از این رو در نظر گرفتن آنها به‌عنوان هدف در برنامه‌هایی با موضوع حمایت از سوی دولت‌ها در بعد ملی و بین‌المللی به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری و نابرابری بر پایه جنسیت در جریان و در دوره پسا جنگ، نقش مهمی در جلوگیری از خشونت دارند. نگارندگان با نگاهی انتقادی به قانون‌ها و مقررات تصویب‌شده نابرابری در عرصه قانون‌های پشتیبانی از این افراد از نظر جنسیت را بررسی کرده‌اند. هرچند در روش‌های قانون‌گذاری و قانون‌نگاری در ایران، ساختارهای اجتماعی-اقتصادی مورد توجه لازم قرار نگرفته است، اما این مطالعه به تبعیض‌های مربوط به ساختارهای اجتماعی تا متن قانون مربوط می‌شود. پرسش اصلی این است که در زمینه اجرای قانون‌های حمایت از ایثارگران، آیا زنان با تبعیض‌های جنسیتی روبه‌رو بوده‌اند؟ فرضیه نویسندگان این است که در اجرای این قانون‌ها، زنان با تبعیض‌های جنسیتی روبه‌رو بوده‌اند. نگارندگان با استفاده از روش بررسی تطبیقی، فرضیه خود را آزموده و اهمیت حمایت‌های بیشتر را در قالب «تبعیض روا» در جهت تخصیص جبران خسارت و قدردانی از فعالیت‌های صلح‌سازی زنان طرح کرده‌اند.</p> |
| استناد | کولایی، الهه؛ کمیلی اصفهانی، حسین (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی حقوق ایران و آمریکا در زمینه حمایت از زنان در دوره پسا جنگ. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۳ (۳)، ۱۵۱۳-۱۵۳۶. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.328279.2845 |
| DOI | 10.22059/JPLSQ.2021.328279.2845 |
| ناشر | مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. |

۱. این مقاله بخشی از یک طرح پژوهشی است که با حمایت مالی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری اسلامی ایران اجرا شده است.

۱. مقدمه

بی‌تردید نقش و مسئولیت اشخاص، با تفسیر رابطه اجتماعی و فرهنگی میان زنان و مردان ارتباطی مستقیم دارد. براساس این نگرش اگر مردان نقش سازنده داشته باشند، تنها نقش زنان، تولید مثل است. از این رو ارزش آنها در حد مادر و همسر کاهش می‌یابد. این خود عاملی برای ناپدید شدن نقش آنان به عنوان فعالان اقتصادی - سیاسی است که زمینه‌ساز ایجاد خشونت هم می‌شود. پس از پایان جنگ به دلیل آثار ناشی از این رخداد، از جمله از دست دادن سرپرست خانواده، زنان نان‌آور خانواده به‌شمار می‌آیند. مشکلات اقتصادی ناشی از این دگرگونی، سبب افزایش خشونت نسبت به آنها می‌شود (Gardam, 2001: 53). بر همین اساس، نظریه جنسیت، پاسخگوی مؤثری به چالش‌های بسیار زیاد ناشی از نابرابری جنسیتی در هنگام تعارض و پس از آن است. براساس این نظریه، وضعیت باید به گونه‌ای تغییر کند که زنان نه تنها قربانی‌های منفعل نباشند، بلکه عناصری فعال با ظرفیت‌های تأثیرگذار دیده شوند. بنابراین تأکید بر زنان به عنوان هدف یک برنامه، با توجه به فرهنگ و تابوها، عامل مهمی در جلوگیری از خشونت نسبت به آنها به‌شمار می‌آید.

خشونت نسبت به زنان به دو گونه میان افراد یا سازمان یافته ایجاد می‌شود. خشونت در میان افراد در قالب خشونت‌های جنسی، اقتصادی، فیزیکی و روانی یا دیگر شکل‌هایی است که از سوی مردان در مورد زنان صورت می‌گیرد. اما خشونت سازمانی نتیجه رفتارهایی است که براساس نابرابری‌های سازمان یافته و نیز تبعیض رخ می‌دهد و سبب می‌شود فرد خود را از نظر فیزیکی و اجتماعی در موقعیت پایین‌تری احساس کند. آنچه در درگیری‌های مسلحانه و در قالب این مقاله قرار می‌گیرد، خشونت از سوی دولت است که در عرصه گونه دوم قرار می‌گیرد. در زمان جنگ، نابرابری میان زن و مرد و آسیب‌پذیری زنان شدت می‌یابد. از سوی دیگر این نوع خشونت، به دو شیوه عمل می‌کند؛ گاه دولت به‌طور مستقیم، عامل خشونت است. گاه هم خشونت اعمال شده را نادیده می‌گیرد و اقدامی برای پشتیبانی از قربانی انجام نمی‌دهد. این بدترین نوع خشونت است، زیرا قربانی توسط به قانون را آخرین پناه خود می‌داند. ولی در این حالت راهی برای او باز نیست. از این رو حقوق درگیری‌های مسلحانه با در نظر گرفتن حمایت از زنان در این شرایط، به دو شیوه رفتار می‌کند؛ نخست، اینکه به دنبال جلوگیری از روش‌های خشونت‌زا و دیگر در پی کنترل رفتارها، از جمله پشتیبانی از شهروندان است؛ به‌ویژه زنان که خشونت نسبت به آنان گسترده و بیشتر نهادمند صورت می‌گیرد.

تأثیر درگیری‌های مسلحانه روی زنان، محدود به زمان جنگ نیست. در بسیاری از موارد، این آثار پس از پایان جنگ ماندگار است و با حضور آنان در جنگ ارتباط مستقیم دارد. به همین دلیل روایت‌های جنگی و آثار

جنگ بر زنان، می‌تواند به پدیده چندصدایی تبدیل شود؛ یعنی هر کس صدا، دغدغه و انتظار خود را با توجه به شرایط خود و نقشی که در جنگ داشته، از قانون بیان کند. در این زمینه، قانون مناسب باید با رویکرد کاهش آسیب‌پذیری زنان از خشونت، چه در زمان جنگ و چه پس از آن تصویب شود. از این رو به‌منظور پشتیبانی از زنان، باید از ابزارهای حقوقی در سه مرحله پیشگیری، پیگیری و پشتیبانی استفاده کرد.

تأکید بر حمایت از حقوق زنان در جنگ، به معنای نفی حقوق مردان نیست. اما زنان منابع و امکانات نابرابر، چه در قانون و چه در عرف با مردان دارند و بیشتر در معرض خطر و آسیب هستند. از سوی دیگر قانون می‌تواند ساختارهای اجتماعی را تغییر دهد یا اصلاح کند. توجه به این موضوع ضروری است که بیشترین آسیب‌های ناشی از درگیری‌های مسلحانه، متوجه زنان و کودکان است. از سوی دیگر هنگام جنگ، بخشی از آنها به‌طور مستقیم در جنگ به‌عنوان رزمنده دخالت دارند. به‌دلیل نقش فعال مردان، برخی زنان به‌عنوان پرستار یا نقش‌های دیگر یا سرپرست خانوار در جامعه نقش دارند.^۱ تدابیر بین‌المللی بسیاری برای حمایت از زنان در درگیری‌های مسلحانه تصویب شده است. یکی از مهم‌ترین آنها، ضرورت همسانی حقوق ملی کشورها با استانداردهای بین‌المللی است.

در دهه‌های اخیر، قانونگذاران در مورد جنگ، به‌دلیل رخدادهای گوناگون برای پشتیبانی از اشخاص مربوط با جنگ، قوانین و مقرراتی در مورد جنگ تصویب کرده‌اند. اما آنچه آشکار است، با وجود برخی اصول در قانون اساسی، توجه چندانی به مسائل زنان نشده است. تداوم پایدار ساختار پدرسالاری در خانواده، اجتماع و نظام حقوقی و سیاسی به‌ویژه در غرب آسیا، سبب شده است مردان عرصه عمومی را در اختیار خود گیرند. در فرهنگی که زنان به ماندن در فضای خصوصی تشویق می‌شوند، ترویج نگاه جنسیتی به‌جای نگاه انسانی پایداری داشته است.^۲ البته قانونگذار با آوردن واژه‌هایی چون ایثارگر و خانواده‌های آنان، نگاه جنسیتی به این موضوع نداشته است و زنان نیز با داشتن شرایط لازم، در قلمرو حمایت قانون قرار می‌گیرند. این واژه چنان با موضوع مردان تنیده شده که تصور زن به‌عنوان ایثارگر و یا با پیشینه حضور مستقیم در جنگ حیرت‌آور است. همین موضوع سبب غفلت جامعه از وجود این گروه از اشخاص شده است. در نتیجه آنچه از نقش زنان در جنگ تصور می‌شود، نقش غیرمستقیم آنان، در چارچوب خانواده به‌عنوان همسر یا فرزند شهید است. در این زمینه می‌توان به قانون حضانت فرزندان صغیر یا محجور توسط مادران آنها، مصوب ۱۳۶۴ اشاره کرد. البته اجرای این قانون نیز با دشواری‌های بسیاری همراه بود.

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: کولایی و عابدی، ۱۳۹۱: ۳۳-۶۰.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: کولایی و حافظیان، ۱۳۹۹.

موضوع برابری یکی از مبانی مهم قانون اساسی و هدف نهایی حمایت از حقوق شهروندان است که در کنار اصل منع تبعیض تأثیر زیادی بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های جامعه داشته است. بر پایه این اصل، همه افراد باید به صورت یکسان و مساوی از امتیازهای قانون برخوردار شوند. اما هر قانون نیز با توجه به موضوع خود، از افرادی با ویژگی‌های خاص پشتیبانی می‌کند که می‌توان آن را گونه‌ای تبعیض در مناسبات حقوقی و اجتماعی دانست. این اقدام با عنوان تبعیض روا شناخته می‌شود که به گونه‌ای تبعیض‌زدایی از تبعیض است (گرچی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۱). تبعیض روا یا مثبت به گروهی از ساختارها، چارچوب‌ها و دستورالعمل‌های قانونی و شکل‌های اجرایی و عملی گفته می‌شود که می‌تواند به طور پیوسته یا در دوره‌های خاص به کار گرفته شود تا یک گروه اجتماعی، سیاسی، دینی، جنسیتی خاص را از موقعیتی نامطلوب نسبت به کل جامعه مربوط خارج کند و به سرعت امکانات رشد و شکوفایی بیشتری به آن گروه بدهد (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۱۱). از این رو می‌توان تبعیض روا را تمایزگذاری موقت حقوقی در رفتار با هدف کمک به گروهی معین از اشخاص حقیقی یا حقوقی، به زبان گروهی دیگر و در جهت از میان برداشتن نابرابری موجود در میان آنها دانست (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۱۲). این نوع تبعیض بیشتر در جهت حمایت از اشخاصی است که همواره در معرض خشونت قرار می‌گیرند. در ماده ۴ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نسبت به زنان «مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹» شبیه همین تبعیض‌ها برای جبران نابرابری‌های گوناگون در میان زنان و مردان تجویز شده است. از این رو می‌توان این نوع تبعیض را نوعی جبران خسارت مدنی برای بهبود مستمر وضعیت گروه‌های نیازمند کمک دانست (جاوید و نیک‌نژاد، ۱۳۹۷: ۵۵). این مقاله در پی ارائه یک مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا در زمینه برنامه‌های پشتیبانی از زنان در دوره پسا جنگ است.

۲. حمایت در زمینه اشتغال

نخستین قانون در خصوص وضعیت استخدامی ایثارگران و خانواده‌های آنها که در مسیر تبعیض روا قرار می‌گیرد، قانون الزام دولت برای استخدام کارمندان مورد نیاز خود از میان جانبازان انقلاب اسلامی و بستگان شهداست. این قانون براساس «قانون استخدام جانبازان، اسرا و افراد خانواده‌های شهدا، جانبازان از کارافتاده، اسیران و مفقودان‌های انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی» و همچنین افرادی که دست کم ۹ ماه متوالی یا یک سال متناوب داوطلبانه در جبهه خدمت کرده‌اند، مصوب ۱۳۶۷ نسخ شد. در قانون یادشده، هرچند نوعی تبعیض روا به دلیل اولویت قرار دادن خانواده‌های شهدا و ایثارگران ایجاد شده، اما خود تبعیضی ناروا میان زنان و مردان زیر پوشش این قانون ایجاد کرده است. در این ماده، جنسیت

اشخاص ملاک نیست، اما در تبصره ۴، استخدام دختران، همسران، مادران و خواهران افراد موضوع قانون را، تنها در شغل‌های آموزشی، بهداشتی، درمانی و دیگر مشاغلی که به تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کشور برسد، مجاز می‌داند. در سال ۱۳۷۶، قانون اصلاح تبصره ۱ قانون یادشده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که خود از تبعیض منفی در درون تبعیض مثبت حکایت داشت. در تبصره یادشده منظور از خانواده‌های شهدا، جانبازان از کارافتاده، اسیران و گمشده‌های انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، فرزند، همسر، پدر، مادر برادر و خواهر آنان است. اما فرزندان شاهد، گمشده‌ها و از کارافتاده کلی در استفاده از تسهیلات یادشده نسبت به دیگر ایثارگران موضوع این قانون برتری دارند.

از این رو هرچند برای زنان به‌عنوان همسر و مادر شهید و جانباز اولویتی در نظر گرفته، اما در بخش اخیر ماده اولویتی فراتر از آنها برای فرزندان شهید و گمشده‌ها و از کارافتاده کلی در نظر گرفته شده است. این خود سبب از میان رفتن تبعیض مثبت نسبت به زنان می‌شود. اما در برابر، به‌منظور جبران این ضعف، قانون استفساریه قانون الحاق یک تبصره به قانون مورد اشاره، تبعیض مثبتی در جهت جبران زحمت زنان شهیدان در نظر گرفت. با این توضیح که در پی سردرگمی در مورد دادن حق اولویت به همسر شهیدانی که پیش از تصویب این قانون در تاریخ ۱۳۷۵/۰۹/۰۷ دوباره ازدواج کرده بودند، در تاریخ ۱۳۸۰/۰۱/۰۹ مجلس شورای اسلامی برخلاف اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین، این اولویت را شامل حال این دسته از زنان نیز دانست. این خود گام مثبتی به‌منظور جبران زحمات آنان بوده است.

در سال ۱۳۷۴ نیز، قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی تصویب شد که تنها اختصاص به دادن تسهیلات به جانبازان شاغل از جمله ایجاد پست سازمانی هم‌تراز برای اشتغال جانبازانی که توانایی کار ندارند و همچنین کاهش ساعات کار آنها دارد. براساس بند ۲ ماده ۲ این قانون، جانباز عنوان ایثارگرانی است که دچار اختلال و کمبودهای عارضی جسمی و روانی شده و در نتیجه در روند زندگی فردی و اجتماعی با محدودیت روبه‌رو شده‌اند. از این رو این واژه به‌صورت عام و با چشم‌پوشی از جنسیت تعریف شده است. اما نکته اصلی ندادن این تسهیلات به زنانی است که همسر و دختر ایثارگرند. بی‌تردید همسران جانبازان برای نگهداری و انجام کارهای مربوط به همسران و پدران خود، نیازمند برخی حمایت‌ها مانند کاهش ساعت کاری هستند. اما بر پایه قانون یادشده این حق تنها به جانبازان اختصاص داده شده است. از سوی دیگر براساس آیین‌نامه اجرایی مواد ۹ و ۱۱ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی سال ۱۳۷۷، کمترین میزان جانبازی برای استفاده از این تسهیلات، ۲۵ درصد اعلام شده است.

در ماده ۳ قانون چگونگی گرفتن پروانه و کالت دادگستری سال ۱۳۷۶، قانونگذار مانند بسیاری از

موارد دیگر از روش سهمیه‌بندی استفاده کرده است. براساس این روش، نسبت به کل (درصد) تعیین می‌شود. این موضوع در کشورهایی مانند هند و پاکستان هم رایج است (گرچی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۸). براساس ماده مورد اشاره، ۳۰ درصد سهمیه مورد نیاز کانون وکلای هر حوزه، به ایثارگران شامل رزمندگان با شش ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه‌های جنگ یا در اسارت دشمن و همچنین جانبازان ۲۵ درصد و بالاتر و بستگان درجه نخست شهیدان و جانبازان ۵۰ درصد به بالا اختصاص می‌یابد. همسران جانبازان کمتر از میزان یادشده مشمول این قانون نمی‌شوند. شایان توجه است این موضوع در ماده ۵۹ قانون جامع ایثارگران نیز تکرار شده که براساس آن قوه قضایی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و کانون وکلای دادگستری موظف شدند ۲۵ درصد سهمیه صدور پروانه سردفتری، وکالت و مجوز کارشناسان رسمی دادگستری را به خانواده‌های شاهد، جانبازان ۲۵ درصد و بالاتر و آزادگان با شش ماه سابقه اسارت و رزمندگان با شش ماه سابقه حضور در جبهه، در صورت داشتن شرایط اختصاص دهند.

قانونگذار با تصویب قوانین در پی پاسخ به مشکلاتی است که در هر دوره خاص نمود پیدا می‌کند. در پی افزایش سن و نیاز فرزندان ایثارگران به شغل، در سال ۱۳۸۰ قانون تسهیلات استخدامی ویژه فرزندان شاهد تصویب شد. هرچند با آوردن واژه‌های عام، دختران را شامل می‌شود، اما گروه بزرگی از اشخاص مورد حمایت، یعنی همسران جانبازان و همسران شهیدان را از قلمرو خود خارج می‌کند. سرانجام در سال ۱۳۸۳ با تصویب قانون جامع ایثارگران که آخرین اراده قانونگذار به‌شمار می‌آید، به موجب ماده ۲۱ این قانون، شرط استفاده از مزایا، شهادت یکی از بستگان درجه اول و یا داشتن درصد جانبازی ۲۵ درصد به بالا و حضور رزمنده دست‌کم شش ماه در جبهه است. بدین‌شکل که نیازهای استخدامی و تأمین نیروهای مورد نیاز خود را بر پایه ضوابط و مجوزهای مربوط و جایگزینی نیروهای خروجی خود می‌گیرند به خانواده‌های شاهد، جانبازان و آزادگان، همسر و فرزندان شهیدان و جانبازان ۲۵ درصد و بالاتر، فرزندان و همسران آزادگان یک سال و بالاتر در اسارت، اسیران و خواهر و برادر شاهد اختصاص دهند. درصد سهمیه استخدامی را نیز به رزمندگان با سابقه دست‌کم شش ماه حضور داوطلبانه در جبهه‌ها و همسر و فرزندان آنان و فرزندان جانبازان زیر ۲۵ درصد و آزادگان کمتر از یک سال اسارت اختصاص دهند. در بند «و» ماده ۴۴ برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه نیز به این موضوع اشاره شده است. حتی در تبصره ۲ آن گام مثبتی در زمینه برابری حقوق زن و مرد در نظر گرفته شده است. بدین‌گونه که رزمندگان با دست‌کم شش ماه حضور داوطلبانه در جبهه، جانبازان، آزادگان و همسران شهیدان، جانبازان و آزادگان، فرزندان شاهد و جانباز و آزاده از شرط جنسیت برای استفاده از سهمیه استخدامی معافاند. دستگاه‌های مشمول این قانون موظف‌اند بدون الزام به رعایت شرط سنی، تحصیلی، معدل، آزمون، با

داشتن شرایط عمومی گزینش با هماهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران و از آغاز آنان را به صورت رسمی قطعی استخدام کنند. این موضوع در برنامه پنج‌ساله ششم بیان نشده است.

شایان یادآوری است به موجب بخش ۱۵۲۴ قانون ایالات متحده آمریکا^۱ در زمینه مزایای کهنه‌سربازان، در مواردی که کهنه‌سربازان کمتر از ۴۵ سال باشند، وزارت مربوط متعهد است دوره‌های آموزشی برای به دست آوردن مهارت به منظور دستیابی به شغل مناسب برگزار کند. این دوره‌ها نباید بیشتر از دو سال باشد و در طول این دوره، آنها شایسته دریافتی به عنوان حقوق ماهیانه هستند. در ایران نیز به موجب آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان مصوب ۱۳۷۹، وزارت کار و رفاه اجتماعی به اختصاص بخشی از ظرفیت دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای به جانبازان موظف شده است. این موضوع در ماده ۳۳ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران هم بیان شده است. بر پایه آن به منظور دستیابی فرزندان شاهد، جانبازان ۲۰ درصد و بالاتر و آزادگان بیکار به مشاغل مناسب، نیاز به فراگیری دوره‌های آموزشی و مهارتی وجود دارد، به منظور تأمین حداقل معاش آنان در طول دوره آموزش (حداکثر تا هجده ماه) کمک‌هزینه زندگی معادل ۷۵ درصد حداقل حقوق کارکنان دولت و برای یک‌بار از سوی بنیاد پرداخت خواهد شد. در همه قوانین دو کشور هیچ صحبتی از همسران شهیدان و همسران جانبازان نمی‌شود.

پیش‌شرط استفاده از مزایای مندرج در قوانین بیان شده برای همسران شهید، وجود رابط همسری است. تنها استثنا نسبت به این قاعده کلی جزء ۶ بند «ب» ماده ۸۸ قانون پنج‌ساله ششم توسعه است که در صورتی که همسران جداده از شهیدان، که فرزند یا فرزندان شهید را دست‌کم ۱۵ سال پس از شهادت شهید نگهداری کنند، با تأیید بنیاد شهید، ماهانه معادل دوسوم حقوق کارکنان دولت را دریافت می‌کنند. هرچند این ماده قدم مثبتی در تحقق حقوق زنان است، اما بحث اساسی مشکلات زنان جداده در طول دوران حضانت از فرزندان (کمتر از ۹ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران) است؛ به دلیل اینکه ولی محسوب نمی‌شوند، توانایی اداره امور مالی را ندارند. از سوی دیگر با توجه به وضعیت فعلی، مشکلات اقتصادی گوناگونی این زنان را تهدید می‌کند. زمانی که فرزند از محجوریت خارج می‌شود، مادر می‌تواند حقوقی را دریافت کند.^۲ شایان یادآوری است که در جزء ۱ بند ۴ بخش ۱۰۳ قانون ایالات متحده آمریکا مزایای کهنه‌سربازان، در صورت ازدواج دوباره همسران کشته‌شدگان در جنگ، حقوق آنها قطع و در صورتی که به هر دلیل این ازدواج به هر دلیلی از جمله جدایی پایان یابد، حقوق دوباره پرداخت می‌شود. در حقوق

1. United State Code

۲. پیشنهاد نویسندگان پس از نتیجه این نوشتار، آمده است.

ایران، حمایت بیشتری نسبت به زنان در این زمینه داده شده است. بر پایه رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۷۷، ازدواج همسران شهیدان موجب قطع حقوق و دریافتی‌های آنها نمی‌شود. در آمریکا نیز در زمینه دادن اولویت به اشتغال «کهنه‌سربازان»^۱، از تبعیض مثبت استفاده شده است. نخستین اقدام قانونی در زمینه اشتغال کهنه‌سربازان پس از پایان جنگ داخلی، با عنوان مصوبه تشویق به استخدام سربازان معلول و مرخص از خدمت^۲ در سال ۱۸۶۵ تصویب شد. براساس آن اولویت‌هایی برای اشتغال جانبازان و آسیب‌دیدگان جنگ، در نظر گرفته شد. موضوع بدین شکل بود که تنها در صورت داشتن شرایط مساوی با دیگر شرکت‌کنندگان، حق استفاده از این مزایا وجود داشت. این تفسیر تا سال ۱۹۱۰ رایج بود (Westergard, 2020: 43). چنین الزامی در ماده ۸ مقررات استخدامی نهضت سوادآموزی جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۶۷ هم وجود دارد. براساس آن در شرایط مساوی، اولویت استخدام آزمایشی و قطعی به ترتیب با جانبازان، فرزندان و همسران شهیدان، گمشده‌ها و اسیران جنگ تحمیلی است. هرچند عدالت در این ماده در میان ایثارگران و غیرایثارگران به گونه‌ای رعایت شده است، اما این تبعیض مثبت تنها به همسران شهیدان اختصاص دارد و همسران جانبازان از این امتیاز محروم بوده‌اند.^۳ این موضوع در ماده ۶ قانون آیین‌نامه استخدامی دیوان محاسبات ایران در سال ۱۳۷۰ هم در نظر گرفته شده است. بر پایه آن، اولویت استخدام با جانبازان، آزادگان و خانواده‌های شهیدان و جانبازان از کارافتاده و گمشدگان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و نیز افرادی است که ۹ ماه متوالی و یا یک سال متناوب داوطلبانه در جبهه خدمت کرده باشند.

فرمان‌های دیگری هم در آمریکا صادر شد که مهم‌ترین فرمان به سال ۱۹۲۹ مربوط است. اصولی که فرمان‌های بعدی در سال‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ را جهت داد، اضافه کردن ۱۰ امتیاز به امتیازهای همسران بیوه کهنه‌سربازان و همسران سربازانی که از نظر جسمی صلاحیت استخدام دولتی را ندارند، به جای ۵ امتیازی که پیشتر برای آنها در نظر گرفته شد. در معرفی اشخاص، همسران و بیوه‌های کهنه‌سربازان که از این امتیاز برخوردار می‌شدند، بر کهنه‌سربازان سالم و غیرنظامیان برتری دارند. براساس این قانون، دادن اولویت به زنان، در صورتی بود که خود جانباز جنگی توانایی کار کردن نداشته باشد (گرگی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۰). سرانجام در سال ۱۹۴۴، قانون بازسامانی حق تقدم اعضای

۱. در اصطلاحات حقوق آمریکا «کهنه‌سرباز» (Veteran) به کسی گفته می‌شود که از خدمت در نیروهای مسلح رها شده است ("veteran": Black Law Dictionary, 2009).

۲. A Resolution to Encourage the Employment of Disabled and Discharged Soliders of 1865

۳. پیشنهاد نویسندگان در پایان این نوشتار، آمده است.

نیروهای مسلح^۱ تصویب شد که قلمرو پشتیبانی آن گذشته از کهنه‌سربازان، به بیوه‌ها، همسران و مادران و حتی نامزدهای آنها گسترش یافت. این قانون در مورد استخدام، توانبخشی و نگهداری و هدف آن نیز کاهش زیان‌های واردشده به کهنه‌سربازان و تشویق آنها بود. یکی از نمایندگان مجلس در دفاع از لایحه قانون یادشده بیان کرد: «زمانی که میلیون‌ها زن و مرد از جنگ به وطن خود باز می‌گردند، نیاز به شغل، درآمد، آموزش و دیگر کمک‌ها به‌منظور ثبات و امنیت زندگی خود دارند. این کمترین کاری است که می‌توان برای این گروه از افراد انجام داد (Stimson, 2004: 262). در سال ۱۹۵۳ با تصویب کنگره، کهنه‌سربازان بدون محاسبه نمره‌هایی که به‌عنوان پاداش به آنها داده می‌شد، در آزمون‌های استخدامی نمره‌های قبولی می‌گرفتند. براساس تصویب کنگره، سربازان قدیمی معلول و دارای حق تقدم، به کسی گفته می‌شد که دچار دست کم ۱۰ درصد از کارافتادگی باشد (گرجی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۲). سپس قانون سال ۱۹۵۸ تصویب شد که یکی از نکته‌های شایان توجه آن حمایت از همسران کشته‌شدگان جنگ بود. بر پایه بند ۳ ماده ۱۰۱ این قانون، همسران کشته‌شدگان کسانی هستند که هنگام کشته شدن، همسر قانونی آنان بودند، مگر آنکه جدایی به‌دلیل سوءرفتار و یا رفتارهای خارج از عرف همسران آنها (کهنه‌سربازان) بوده باشد. سپس تلاش‌های زیادی برای اصلاح این قانون صورت گرفت؛ از جمله دولت کارتر که در سال ۱۹۷۸ قانون اصلاح خدمات عمومی^۲ را تصویب کرد.

در سال ۲۰۱۱ نیز برنامه‌ای با عنوان قانون فرصت‌های کار برای کهنه‌سربازان^۳، توسط باراک اوباما رئیس‌جمهور وقت آمریکا ابلاغ شد که مهم‌ترین هدف آن، ایجاد زمینه‌های آموزشی برای سربازانی بود که شغلی نداشتند. این اقدام پس از ۱۱ سپتامبر برای افزایش بهره‌وری و تمایل کارفرمایان به استخدام آنان ایجاد شد (Switzer, 2016: 117). اما مسئله اصلی در ایالات متحده، پشتیبانی این قانون نسبت به مردان است که در حدود ۹۸ درصد اعمال می‌شد. تا سال ۱۹۶۷ تنها ۲ درصد از شاغلان در حوزه نظامی از زنان بودند که تا سال ۲۰۰۹ به ۱۴ درصد رسید. از این رو به‌دلیل ممنوعیت ورود زنان و یا شمار اندک آنها، به‌عنوان اقلیت در نظر گرفته می‌شوند و مشمول چنین تبعیضی قرار می‌گیرند (Lewis, 2013: 7).

1. The Veterans' Preference Act of 1944 (VPA)
 2. Civil Service Reform Act of 1978
 3. the Veterans Opportunity to Work (VOW)

۳. حمایت در زمینه خدمات درمانی

یکی از مهم‌ترین مسائلی که جانبازان با آن روبه‌رو می‌شوند، آسیب‌های جسمی و روانی است. برخی جانبازان با شدیدترین دشواری‌ها روبه‌رو بوده‌اند. گروهی از آنان علاوه بر آسیب‌های شدید مربوط به حضور در جبهه‌های جنگ، دچار ناتوانی‌های ناشی از آسیب و نقص جسمانی هم هستند که تا پایان عمر با خود همراه دارند که سبب اختلال‌هایی در زندگی آنها می‌شود (اقدسی و عیدی، ۱۳۹۰: ۵۲). معلول شدن ناشی از قطع نخاع در جانبازان، از مواردی است که بیشتر اوقات همه خانواده را متأثر می‌سازد و حتی بر انسجام خانواده تأثیری ناگوار دارد؛ چه بسا سبب بروز ابهام و تضاد در انجام نقش‌های خانوادگی شود. از این رو ارائه خدمات درمانی جسمی و روانی، برای بهبود وضعیت جانبازان و خانواده‌های آنها اهمیت اساسی دارد.

در سال ۱۳۶۹، آیین‌نامه شیوه ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به آزادگان تصویب شد که به موجب آن همه آزادگان پس از ورود به کشور، به‌منظور معاینه‌های جسمی - روانی و آزمایش‌های تشخیصی طبی باید قرنطینه شوند و در صورتی که دچار بیماری باشد، باید تا بهبودی، در مراکزی که مشخص می‌شود، زیر نظارت قرار گیرند. هزینه همه خدمات نیز براساس آیین‌نامه، بر عهده سازمان‌های منطقه‌ای بهداشت و درمان استان است. براساس تبصره ۱ ماده ۸ نیز همه خدمات توانبخشی روزانه بر عهده سازمان بهزیستی قرار گرفت. پس از آن در بند «ج» ماده ۳۷ برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سال ۱۳۷۹، تأمین صددرصد بیمه همگانی و مکمل جانبازان و درمان خاص آنها بر عهده دولت قرار گرفت. سرانجام پس از تصویب قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، براساس بند «الف» ماده ۱۳ آن، تأمین صددرصد هزینه بهداشتی درمانی به صورت بیمه سلامت، بیمه همگانی، بیمه مکمل و بیمه خاص (خدماتی که مشمول قوانین بیمه همگانی و تکمیلی نمی‌شوند) خانواده شاهد، جانبازان، آزادگان و افراد زیر سرپرستی آنان بر عهده دولت بوده و اعتبارهای آن هر ساله براساس تعداد و سرانه در قانون‌های بودجه سالانه به صورت صددرصد تخصیص یافته منظور می‌شود.

در بند ۲ ماده یادشده نیز این خدمات به خانواده‌های آنان گسترش یافته است. همچنین در ماده ۱۴ این قانون بنیاد شهید به تأمین و تهیه امکانات بهداشتی، درمانی، تشخیصی، توانبخشی، آموزشی، پیشگیری، دارو و لوازم مورد نیاز برای جانبازان شیمیایی، اعصاب و روان، نخاعی و اندام‌های مصنوعی داخلی و خارجی جانبازان موظف شده است. از این رو قانون این مشکل را برای ایثارگران و خانواده‌های آنها به‌ویژه همسران حل کرده است. اما دشواری اصلی در عرصه اجرای آن است. به دلیل کمبود بودجه و همچنین نبود دارو و تأخیر در پرداخت مطالبات از سوی بیمه به مرکزهای خدماتی و پزشکان و داروخانه‌ها و مانند آن، مرکزها و اشخاص مورد اشاره تمایلی به همکاری نداشته و به همین دلیل قرارداد

خود را فسخ کرده‌اند. از این رو در بیمارستان‌ها به ایثارگران یا خانواده آنان، اعلام می‌شود قراردادی با بیمه ندارند یا قراردادهای فسخ کرده‌اند. همچنین مراکز درمانی برخی شهرستان‌ها هم هیچ قراردادی با بیمه ندارند (خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۷).

مهم‌ترین نارسایی قانونی که شامل حال زنان جانبازان می‌شود، حق نگهداری و یا حق پرستاری است که در کنار دیگر مزایا به خود جانبازان تعلق می‌گیرد. براساس ماده ۱۷۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، در صورتی که میزان آسیب‌های وارد شده به جانبازان و معلولان در جریان انجام وظیفه یا به سبب آن، در حدی باشد که به تأیید کمیسیون عالی پزشکی در انجام کارهای روزانه زندگی، نیازمند کمک و یاری گرفتن عملی دیگران باشند و در صورتی که در آسایشگاه جانبازان نگهداری نشوند، بر حسب مورد و متناسب با میزان از کارافتادگی، از حق نگهداری که کمینه آن یک‌هزار برابر ضریب ریالی و بیشینه آن دو هزار برابر ضریب ریالی است، استفاده خواهند کرد. براساس تبصره ۳ همین ماده، حق نگهداری این گروه از جانبازان، در صورت اشتغال قطع خواهد شد. در فصل هفتم آیین‌نامه تأمین اجتماعی نیروهای مسلح، ابلاغی ستاد کل نیروهای مسلح آمده است: کارکنان نیروهای مسلح در صورتی که مشمول همه شرایط زیر باشند، با رعایت دیگر ضوابط، از حق نگهداری برخوردار می‌شوند:

الف) آسیب‌های جسمی و روحی منتهی شده به جانبازی و معلولیت در حین انجام وظیفه یا به سبب انجام وظیفه باشد.

ب) جانباز یا معلول براساس تأیید شورای عالی پزشکی، در شمول بندهای «ب» و «ج» ماده ۱۰۸ قانون آجا یا مواد مشابه در سایر قوانین نیروهای مسلح قرار گرفته و بازنشسته شده یا در شمول قانون حالت اشتغال قرار گرفته باشد.

ج) جانباز یا معلول به صورت مستمر در آسایشگاه جانبازان نگهداری نشود.

د) با تأیید شورای عالی پزشکی، جانباز یا معلول در انجام کارهای روزانه زندگی، محتاج کمک و معاضدت عملی دیگران باشد.

علاوه بر آن، براساس ماده ۲۶ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، دولت موظف است به منظور حمایت از سلامت جانبازان ۵۰ درصد به بالا و جانبازان اعصاب و روان و شیمیایی به تشخیص کمیسیون پزشکی بنیاد و براساس شدت و نوع آسیب‌های ناشی از مجروحیت و میزان ساعت کاری که از جانبازان مراقبت می‌شود، نسبت به برقراری و پرداخت حق پرستاری و حق همیاری براساس کمینه دستمزد ماهانه کارگران اقدام و اعتبار مورد نیاز را در لوائح بودجه سالانه منظور کند. با توجه به ماده یادشده، همه جانبازانی که بیشتر از ۵۰ درصد باشند، مشمول حق پرستاری می‌شوند و کمتر از میزان مورد اشاره

به صورت شخصی و با توجه به ویژگی‌های جانباز براساس تأیید کمیسیون پزشکی بنیاد شایسته دریافت این حق هستند.

آنچه به عنوان اساس و برتری حق پرستاری بیان می‌شود، ارج نهادن به خدمات خانواده جانبازان در زمینه نگهداری، ایجاد انگیزه و تشویق برای خانواده برای تقویت زمینه‌های مناسب نگهداری بیشتر از جانبازان در خانواده، فراهم کردن زمینه‌های حضور هرچه بیشتر جانبازان در محیط خانواده و اجتماع، بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی جانبازان به صورت پایدار، بهبود جسمی و روانی و بهره‌مندی مادی همسر و یا مراقب جانبازان در برابر پرستاری از آنان است. در بند ۶ ماده ۳ دستورالعمل اجرایی پرداخت حق پرستاری در چارچوب اجرای بند «ج» از ماده ۳ تبصره ۴ قانون بودجه ۱۳۷۸ کل کشور مقرر می‌دارد، در صورت فوت جانباز، فوت همسر وی و یا متارکه، حق پرستاری قطع می‌شود. بر پایه محتوای این ماده حق پرستاری به دلیل زحمتهایی است که زنان متحمل می‌شوند. اما در بند ۷ این دستورالعمل، پرداخت در قالب حق پرستاری در فیش حقوقی جانباز مشخص می‌شود. این تضاد در متن یک دستورالعمل، از ایرادهای قانون‌نگاری به نظر می‌رسد.^۱

ارائه خدمات مشاوره‌ای نیز در ماده ۲۰ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مطرح شده است. براساس آن بنیاد شهید و امور ایثارگران موظف است با هماهنگی وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، آموزش و پرورش، ورزش و جوانان و سازمان بهزیستی کشور به منظور ارائه خدمات مشاوره‌ای و مددکاری، پیشگیری و درمان برای ارتقای سطح سلامت و تأمین بهداشت روانی ایثارگران و خانواده‌های ایشان، مراکز مشاوره‌ای و مددکاری ایثارگران را تأسیس کنند. اجرای آن به تصویب آیین‌نامه وابسته شده که آیین‌نامه اجرایی فصل سوم قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ به تصویب هیأت وزیران رسید و به موجب ماده ۸ بنیاد شهید و امور ایثارگران برای ارتقای سطح سلامت و تأمین بهداشت روانی ایثارگران و خانواده‌های آنها موظف شد مراکز مشاوره‌ای ایجاد کند.

در ایالات متحده آمریکا نیز نگرانی از وضعیت سلامت کهنه‌سربازان مورد توجه دولت فدرال قرار گرفته بود. در سال ۱۹۱۴، پیش از آنکه این کشور وارد جنگی شود، قانون بیمه خطرهای جنگی برای بیمه‌کشتی‌های آمریکایی و سرنشینان آنها^۲ تصویب شد (Lindsay, 1918: 52). براساس اصلاحیه سال ۱۹۱۷، دامنه شمول این قانون به سربازانی که جان خود را از دست می‌دادند یا هنگام جنگ در خارج از ایالات متحده آمریکا دچار آسیب‌های جدی می‌شدند، گسترش یافت. در سال ۱۹۲۱ «دفتر کهنه‌سربازان»^۳ تشکیل

۱. پیشنهاد نویسندگان در پایان نوشتار آمده است.

2. The War Risk Insurance Act of 1914

3. Veterans Bureau

شد که امور مربوط به ارائه خدمات درمانی به کهنه‌سربازان را به عهده گرفت. اما نخستین برنامه که به موجب قانون مصوب کنگره ایالات متحده آمریکا در خصوص ارائه خدمات سلامتی به کهنه‌سربازان زن در نظر گرفته شد، در سال ۱۹۲۳ بود (U.S. Department of Veteran Affairs, 2021).

در سال ۱۹۳۰، کنگره برای بررسی وضعیت سربازان تشکیل نهادی را تصویب کرد. این نهاد مسئولیت جبران خسارت برای سربازان جنگ جهانی، از بیمه درمانی و بیمه عمر و مانند آن را بر عهده گرفت. در سال ۱۹۴۴ در پی نگرانی در مورد شرایط سربازان و بهبودی آنها، کنگره قانون بهبود وضعیت سربازان را تصویب کرد که به مواردی مانند خدمات پزشکی، پرداخت وام مسکن بدون سپرده و جبران خسارت اشاره کرد. سرانجام در پاسخ به رشد شاغلان زن به‌عنوان کهنه‌سرباز، مرکز زنان کهنه‌سرباز^۱ در سال ۱۹۹۴ در جهت تصویب قانون مراقبت سلامت کهنه‌سربازان^۲ تأسیس شد. هدف از ایجاد آن اطمینان در دسترسی یکسان به مزایا و خدمات، افزایش آگاهی زنان و حفظ حمایت از آنها بود (U.S. Department of Veteran Affairs, 2012: 28). پس از حمله ایالات متحده به افغانستان و عراق و نگرانی از وضعیت روحی و روانی سربازان، زمینه‌هایی در زمینه مراقبت در این حوزه ایجاد شد. براساس این نظام تنها دو سال برای درمان روحی و روانی بدون پرداخت هرگونه هزینه در نظر گرفته شد. پس از آن در صورت ضرورت برای ادامه درمان، سربازان باید هزینه را خودشان پرداخت کنند. همین موضوع سبب پایان نیافتن دوره درمان می‌شود (Gome, 2013: 358). با توجه به مشکلات یادشده، در سال ۲۰۱۱ دادگاه منطقه‌ای استیناف، نظر داد که تأخیر در درمان سربازان سبب نقض حقوق آنها می‌شود و نهاد امور مربوط به سربازان^۳ از درمان آنان ناتوان است. هرچند این نهاد به فرایند طولانی درمان باور داشت و خود را به‌هیچ‌وجه مقصر نمی‌دانست (Gome, 2013: 359). به دلیل همین مشکلات در سال ۲۰۰۵ کنگره نخست به افزایش دوره پنج‌ساله به‌جای دو‌ساله نظر داشت. مخالفان این طرح براساس نظر نهاد امور سربازان اعتقاد داشتند، این دوره کافی است. اما موافقان به دلیل طولانی بودن دوره بهبود اختلال‌های ناشی از فشار پس از جنگ، معتقد بودند که دوره حمایتی دو‌ساله به‌سبب کوتاه بودن آن نتیجه‌ای در بهبود ندارد. از سوی دیگر پرداخت هزینه‌های درمانی پس از آن سبب از بین رفتن هرگونه انگیزه سربازان برای ادامه روند درمان می‌شود. به همین دلیل وجود یک دوره حمایتی پنج‌ساله می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد (Panangala, 2006: 21).

1. VA's Center for Women Veteran
2. Veterans Health Care Act of 1992
3. Department of Veterans Affairs

سرانجام در سال ۲۰۰۵ قانون مراقبت سلامت سربازان^۱ در کنگره آمریکا تصویب شد. یکی از خدماتی که این قانون مورد توجه قرار داد، ارائه خدمات مشاوره‌ای به همه اعضای خانواده کشته‌شدگان در جنگ بود. این مسئولیت بر عهده «مرکز وت»^۲، زیرمجموعه وزارت امور کهنه‌سربازان با سرمایه ۱۸۰ میلیون دلار قرار گرفت. براساس این قانون، نهاد مربوط به امور سربازان در جنگ، مسئولیت رسیدگی به امور پزشکی و مراقبتی سربازان را بر عهده دارد. در صورتی که سربازان از زنان باشند، وظیفه مراقبت مادری، هنگام بارداری و حتی پس از آن را به عهده دارد. اما نهاد مورد اشاره، هیچ‌گونه مسئولیتی در مورد پرداخت حقوق یا موارد دیگر در برابر حتی فرزندان متولدشده، بیش از چهارده روز را ندارد (Panangala, 2006: 21). استفاده از امتیازهای مندرج در قانون، به‌گونه‌ای نیست که همه سربازان به‌صورت خودکار حق استفاده از خدمات درمانی را داشته باشند. مبنای استفاده از خدمات، در دوره‌های مختلف و با توجه به قانون‌های حاکم متفاوت است و نیاز به ثبت‌نام دارد. آخرین اصلاحیه در زمینه درج شرایط استفاده از تسهیلات، قانون اصلاح شرایط استفاده از مراقبت‌های سلامتی است که در سال ۱۹۹۶ تصویب شده بود. این قانون دو گروه‌بندی ارائه می‌کند؛ گروه نخست، شامل سربازان میهنی دچار معلولیت، دارای مدال افتخار و نشان نظامی ویژه مجروحان جنگ، اسیران و مجروحان شیمیایی است. سربازانی که ویژگی‌های این گروه را نداشته باشند، در گروه دوم قرار می‌گیرند.

۴. حمایت در زمینه خدمات حقوقی

در کنار مشکلات بسیاری که ایثارگران، گذشته از جنسیت با آن مواجهند، ناآگاهی از قوانین و مقررات است. به همین دلیل ارائه خدمات حقوقی و در صورت ضرورت تعیین وکیل دادگستری برای دفاع از حقوق آنان در دادگاه‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. در بند ۱۱ سیاست‌های کلی نظام در امور ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار، جهاد و ساماندهی امور ایثارگران که در زمینه حمایت قضایی از ایثارگران و خانواده‌های آنها و نگهداری و پاسداری از حریم ایثارگری، با ایجاد سازوکارهای مناسب به‌وسیله قوه قضایی است، به این موضوع اشاره شده است. ماده ۵۸ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، وزارت دادگستری با همکاری قوه قضایی برای ارائه خدمات حمایت قضایی از خانواده‌های شاهد، جانبازان ۲۵ درصد و بالاتر و همچنین آزادگان در دستگاه قضایی برای دفاع و دستیابی آنان به حقوق خود ملزم شده است. در تبصره ۱ ماده یادشده، هزینه ارائه

1. Veterans Health Care Legislation

2. Vet Center

خدمات و تأمین اعتبار بر عهده بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار داده شده است. اما پیش از تصویب قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، به موجب ماده ۲۰۳ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سپاه به منظور حمایت از بسیجیان، رزمندگان و ایثارگران، موظف شده بود با هماهنگی قوه قضایی و وزارت دادگستری، دفترهای مشاوره حقوقی و قضایی را ایجاد کند. آیین‌نامه اجرایی این ماده نیز در سال ۱۳۷۱ تصویب و ابلاغ شد. براساس ماده ۲ آیین‌نامه یادشده، افراد در حمایت موضوع این آیین‌نامه شامل جانبازان از کارافتاده کلی و جانبازان دست‌کم با ۲۵ درصد از کارافتادگی به بالا، آزادگان و خانواده‌های اسیران و گروگان‌های بسیج و سپاه شامل پدر، مادر، همسر و فرزندان و رزمندگان داوطلب، به شرط داشتن دست‌کم سه ماه سابقه خدمت متوالی و یا شش ماه خدمت متناوب در جبهه است.

براساس ماده ۳، این دفتر وظایفی مانند انجام اقدام‌های لازم برای آگاهی از آخرین وضعیت پرونده درخواست‌کننده، انجام نامه‌نگاری لازم، تنظیم و ارسال دادخواست و لایحه‌ها به‌عنوان وکیل درخواست‌کننده و شرکت در نشست‌های دادرسی و یا دیگر نشست‌هایی را دارد که در زمینه پرونده تشکیل می‌شود. از مهم‌ترین مواردی که سبب نقض حقوق ایثارگران می‌شود، قلمرو محدود اشخاصی است که براساس ماده ۲ آیین‌نامه یادشده مشمول حمایت قرار می‌گیرد. بدین شرح که تنها شخص جانباز، با توجه به شرایط مندرج در آیین‌نامه حق استفاده از خدمات این دفاتر را دارد. از این‌رو زنان تنها در صورتی که شرایط مندرج در ماده ۲ آیین‌نامه را داشته باشند، حق استفاده از این خدمات را دارند. اگر نقش ایثارگری آنها غیرمستقیم به‌عنوان همسر جانباز باشد، هیچ‌گونه اولویتی به آنها اختصاص داده نشده است. اما براساس بند «ز» ماده ۸۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، فرزندان شهیدان در حکم جانبازان ۵۰ درصد به بالا در نظر گرفته شده‌اند و صلاحیت استفاده از مزایایی که در قوانین و مقررات، برای این جانبازان در نظر گرفته شده، به استثنای مواردی مانند تسهیلات خودرو، حق پرستاری، کاهش ساعت کار اداری و حالت اشتغال را دارند. از این‌رو دختران شهیدان، مشمول استفاده از خدمات این دفاتر می‌شوند. همچنین برای جلوگیری از مشکلات خانواده‌های شهیدان و جانبازان، تفاهم‌نامه‌هایی به‌صورت موردی میان کانون‌های وکلای استان‌های مختلف و بنیاد شهید آن استان‌ها به‌منظور تسهیل انتخاب وکیل معاضدتی براساس مواد ۲۳ و ۲۴ قانون وکالت سال ۱۳۱۵ امضا شده است.

در آمریکا نیز هیچ قانونی در زمینه ارائه خدمات حقوقی به کهنه‌سربازان وجود ندارد. اما دانشکده‌های حقوق آمریکا، از جمله دانشگاه هاروارد کلینیک‌های حقوقی تأسیس کرده‌اند و از خدمات دانشجویان خود برای ارائه مشاوره و تدوین دادخواست استفاده می‌کنند (Harvard Law Today, 2020). از سوی

دیگر، بر پایه قانون بازبینی قضایی کهنه‌سربازان مصوب کنگره ایالات متحده^۱ در سال ۱۹۸۸ «دادگاه تجدیدنظر دعوای کهنه‌سربازان»^۲ تأسیس شد، از آنجا که در حدود ۸۰ درصد پرونده‌های کهنه‌سربازان که در این دادگاه رسیدگی می‌شد، بدون وکیل بود، در سال ۱۹۹۲ «برنامه خدمات حقوقی» رایگان کنسرسیوم کهنه‌سربازان^۳، برای ارائه خدمات حقوقی به کهنه‌سربازان و خانواده‌های آنان در دادگاه تجدیدنظر کهنه‌سربازان تشکیل شد. (The Veteran Consortium, (n d)). این نهاد به آموزش وکلای متخصص در زمینه حقوق کهنه‌سربازان نیز می‌پردازد و با کلینیک‌های حقوقی مستقر در دانشگاه‌ها تفاهم‌نامه امضا می‌کند.^۴ همچنین باید به «دادگاه‌های کهنه‌سربازان»^۵ اشاره کرد که از سال ۲۰۰۸ در ایالات مختلف آمریکا به منظور رسیدگی به جرائم کهنه‌سربازان تشکیل شده‌اند. کهنه‌سربازان در این محاکم از خدمات حقوقی رایگان برخوردارند.^۶

۵. حمایت در زمینه نگهداری از فرزندان

حضانة در لغت به معنی نگهداری بوده و از نظر حقوقی نیز از معنای آن دور نیفتاده است. در قانون مدنی و قوانین حمایت از خانواده هیچ تعریفی از این واژه صورت نگرفته و به اعتقاد برخی بیانگر ضعف قانون‌نگاری در این زمینه است (مظاهری و افقه، ۱۳۹۵: ۵۰۴). اما به نظر می‌رسد معنای این واژه چنان روشن است که قانونگذار خود را از تعریف بی‌نیاز دانسته است. روشن است نگهداری طفل با در نظر گرفتن مصلحت او به‌عنوان اصل و محور این نهاد حقوقی است، یعنی والدین اختیار و اقتدار تام در زمینه پرورش و نگهداری کودک دارند، اما زمانی که مصلحت او به خطر بیفتد، به‌عنوان یک امر قانونی وارد عمل می‌شود، که در ماده ۴۵ قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۹۱ به آن اشاره شده است. براساس این ماده رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در تصمیم‌های دادگاه‌ها و مقام‌های اجرایی الزامی است. این موضوع به‌عنوان معیار در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، اصلاحی سال ۱۳۷۶ نیز بیان شده است. همان‌گونه که بیان شد، در هر صورتی که مصلحت کودک اقتضا کند، حضانة ساقط می‌شود.

1. the Veterans' Judicial Review Act
2. Court of Appeals for Veterans Claims
3. The Veterans Consortium Pro Bono Program

۴. این کنسرسیوم با همکاری چهار سازمان مدافع حقوق کهنه‌سربازان تشکیل شده است. ر.ک.

<https://www.vetsprobono.org/about>

5. Veteran's Courts

۶. برای توضیح بیشتر در مورد دادگاه‌های کهنه‌سربازان ر.ک.

<https://www.ncsc.org/topics/alternative-dockets/problem-solving-courts/veterans-court/resource-guide>

حضانت برای حمایت از امنیت مادی و معنوی کودک و کمک به رشد او براساس ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی به عنوان حق و تکلیف والدین شناخته می‌شود. اما دغدغه اصلی قانون زمانی است که قانون خانواده به هر دلیل دچار فروپاشی می‌شود و یکی از والدین این تکلیف دشوار را بر دوش می‌کشد.

نخست باید حضانت و ولایت را جدا کرد. از نظر موضوع، حضانت در ارتباط با نگهداری و پرورش جسمی، فکری و روحی کودک است. درحالی که ولایت به معنای خاص به نظارت بر اموال و حقوق مالی او مربوط است. از نظر اشخاص برعهده گیرنده، حضانت امری است که بر عهده والدین گذاشته می‌شود، در صورتی که ولایت بر عهده پدر و جد پدری و وصی منصوب از سوی آنهاست (ساعی و کامیاب منصوری، ۱۳۹۵: ۷۷۳). در نتیجه مادر، اگرچه می‌تواند حضانت طفل را بر عهده داشته باشد، هیچ‌گاه ولی قهری او نیست. مادر در شرایط خاص و در صورت نبود پدر و جد پدری (و وصی منصوب از سوی آنها) می‌تواند قیم کودک باشد.

نخستین اراده قانونگذار در حق حضانت فرزندان که یکی از والدین خود را از دست داده‌اند، ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی است که به موجب آن در صورت فوت یکی از والدین، حضانت طفل با شخصی که زنده است، خواهد بود. هرچند متوفی پدر طفل است و طفل ولی خاص (جد پدری یا وصی منصوب آنان) داشته باشد. در ماده ۱۱۷۰ قانون یادشده، قانونگذار ازدواج دوباره مادر را به‌طور مطلق از موانع حضانت دانسته است و این امر در مواردی اجرا می‌شود که پدر کودک در قید حیات باشد. در سال ۱۳۶۴، قانونگذار با تصویب ماده واحده قانون حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها، به‌روشنی ازدواج دوباره همسران شهید را مانع از حضانت ندانست. از این رو می‌توان گفت که در غیاب پدر، شایسته‌ترین فردی که مصالح کودک را رعایت می‌کند، مادر است و ازدواج دوباره او مانع ادامه حضانت نمی‌شود. این موضوع نیز سابقه فقهی دارد. امام خمینی (ره) در *تحریر الوسیله* آن را بیان کردند (موسوی خمینی، بی‌تا: ۳۱۳).

اما چالش اصلی در بسیاری از موارد نیازهای مالی است که مادر در پرورش و نگهداری کودک دارد. یکی از مصداق‌های حضانت، پرورش کودک است که نیازمند صرف هزینه است. براساس ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی، با توجه به ماده ۱۱۸۳ این قانون، ولایت به معنای نظارت بر اموال شخص و داشتن حقوق مالی است که بر عهده پدر و جد پدری به‌عنوان ولی قهری است. از این رو در صورت فوت زوج، هرچند حضانت بر عهده مادر است، اما پرداخت هزینه‌های زندگی از سوی جد پدری صورت می‌گیرد که مشکلات زیادی، در برقراری تعامل با پدر همسر برای زنان ایجاد می‌کند. در نتیجه دادن اختیارات بیشتر به مادر در اداره اموال و تربیت و مواظبت شخص صغیر که نیازمند صرف هزینه از اموال کودک است، یک نیاز اجتماعی است که تحولات جامعه و ساختار خانواده‌های ایرانی آن را ایجاب می‌کند، به‌ویژه آنکه مادر دلسوزتر و فداکارتر از هر شخص دیگری نسبت به فرزند خود است (صفایی و امامی، ۱۳۸۱: ۱۶۷-۱۶۸).

چالش دیگر ماده ۴۳ قانون حمایت از خانواده است. بر پایه این ماده، حضانت فرزندی که پدر آنها فوت شده با مادر آنهاست، مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، دادن حضانت به مادر را برخلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد. واژه مصلحت یک معنا دارد، اما گستره مفهومی آن مشخص نیست و در شمول آن بر مصادیقی تردید وجود دارد (صادقی مقدم و اماموردی، ۱۳۹۲: ۱۳۸). از این رو می توان این نوع ابهام را فضیلت دانست و اقدام قانونگذار را عامدانه فرض کرد، چراکه فرصت تفسیر را به قضات می دهد. پس رویه قضایی جبران کننده این موضوع است. نمونه های فراوانی در ارتباط با دادن حق حضانت به مادر از سوی قضات حکم داده شده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه قانون مدنی یک قانون عام محسوب می شود و در مواردی که قانون های خاص مانند قانون حمایت از خانواده از ابهام برخوردار باشد، به آن به قانون عام باید رجوع شود. در نتیجه از آنجا که شرایط رعایت نشدن مصلحت کودک در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی بیان شده است، نمی توان این ماده را یک چالش دانست.

برخلاف حمایت های حقوقی برای کهنه سربازان در قانون آمریکا به صورت فدرال، قوانین ایالتی بر مباحث مربوط به حضانت کودکان حاکم است. اما به منظور ایجاد یکپارچگی میان ایالت ها، کمیسیون قوانین یکپارچه با هدف تقویت نظام فدرال، قانون یکپارچه صلاحیت قضایی و اجرای احکام در مورد حضانت کودکان^۱ را در سال ۱۹۹۷ تدوین و تصویب کرد. به همین دلیل شباهت زیادی در این حوزه میان قوانین ایالت ها وجود دارد. در ابتدا باید حضانت فیزیکی و حضانت قانونی را جدا کرد. براساس بند ۱۴ بخش ۱۰۲ این قانون، حضانت فیزیکی ناظر بر تصمیم گیری در مورد شرایط زندگی کودک و امور روزمره اوست. اما حضانت قانونی، ناظر بر تصمیم گیری در امور مهم کودک از جمله زندگی و رفاه اوست که می توان مسائل پزشکی، تحصیل و حتی مذهب را در برگیرد (Larson, 2018).

به طور کلی در این کشور افرادی غیر از پدر و مادر کودک، در صورتی می توانند حضانت فیزیکی و حقوقی داشته باشند که یا والدین آنها به انتصابشان رضایت داشته باشند یا در شرایطی حق حضانت یا قیمومیت والدین نسبت به کودک از میان رفته باشد، یا دادگاه احراز کند که والدین توانایی یا رضایت ادامه نظارت بر امور کودک را ندارند. در نتیجه اگر والدین کودک به انتصاب شخص دیگری رضایت نداشته باشند، متقاضی باید صلاحیت نداشتن آنها را اثبات کند. علاوه بر آن شخصی که به عنوان قیم منصوب می شود، باید دست کم با کودک ارتباط داشته باشد (Smith, 2019: 284-285). آنچه در نظام رفاه کودکان در آمریکا اهمیت دارد، حمایت از رابطه والدین و کودک از جهت های حقوقی و غیرحقوقی است. دخالت دولت تنها در صورتی است که این رابطه مخدوش شود. از این رو زندگی مشترک با والدین

1. Uniform Child Custody Jurisdiction and Enforcement Act (1997)

از حقوق اساسی کودک محسوب می‌شود و میزان دخالت دولت و شرایط آن مانند بیشتر کشورها، محدود است. در مواردی که والدین کودک با یکدیگر زندگی مشترک را ادامه نمی‌دهند، مصلحت کودک در مورد حق حضانت بدون دادن هیچ‌گونه حق اولوی تعیین‌کننده است. این موضوع با عنوان بالاترین مصلحت کودک^۱، در قانون اشاره شده نیز تکرار شده است.

۶. نتیجه

هدف اصلی این مقاله بررسی نقاط قوت و ضعف قوانین و مقرراتی است که در مورد ایثارگران و خانواده‌هایشان تصویب شده است. تجربه زیسته «زنان جنگ» حکایت از این دارد که علاوه بر نابرابری‌های جنسیتی، از مهم‌ترین مشکلات زنان جنگ حس طردشدگی‌شان از بقیه گروه‌های اجتماعی است.^۲ از این رو تلاش شد نشان داده شود قوانین بسیاری از کشورهای جهان مانند ایالات متحده هم مانند ایران، تبعیض مثبت را برای گروه‌های آسیب‌دیده از جنگ در نظر گرفته است. گذشته از مشکلات قوانین و تبعیض‌های منفی که براساس جنسیت است، ناآگاهی از امتیازهایی که در قوانین و مقررات پیش‌بینی شده‌اند، نیز باید دیده شود. از آنکه در قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران از واژه‌های عام مانند جانباز، ایثارگر و شهید بدون توجه به جنسیت استفاده کرده است، قانون تا حد زیادی پاسخگوی نیازهای زنانی است که به‌طور مستقیم در جنگ حضور داشتند. اما مشکل اصلی در حمایت قانونی زنانی است که نقش آنها در جنگ به‌طور غیرمستقیم به‌عنوان همسر، فرزند یا خواهر شهیدان و جانبازان است که در بسیاری از موارد به فراموشی سپرده شده‌اند.

در کنار مشکلاتی که در حوزه حمایتی قوانین حاکم وجود دارد، حتی نبود بودجه کافی در زمینه اجرای قوانین نیز دشواری‌هایی را ایجاد کرده است. به همین دلیل به‌منظور رفع آن دولت موظف است اقدام‌های لازم را برای اجرای صحیح و به‌موقع قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران را به‌عمل آورد. اعتبار کافی را در بودجه سالانه پیش‌بینی کند و همه آیین‌نامه‌های اجرایی آن را حداکثر تا شش ماه سال اول اجرای قانون برنامه تصویب و ابلاغ کند. ولی با گذشت چهار سال از تصویب آن و گذران روزهای آخر از اعتبار آن، دولت اقدام لازم در تصویب شماری از آیین‌نامه‌ها انجام نداده یا بودجه کافی برای اجرای آن نداشته است. همین عامل موجب فسخ قراردادهایی از سوی مراکز درمانی با بیمه مربوط شده است. از سوی دیگر، یکی از مواردی که سبب نقض حقوق همسران جانبازان می‌شود، پرداخت حق پرستاری به جانبازان در صورت

1. The Best Interests of the Children

۲. برای اطلاع بیشتر. ر.ک: کولایی و بهبهانی (۱۴۰۰).

استحقاق است. این موضوع برخلاف فلسفه وجودی دادن چنین حقی است. این حق در برابر خدمات همسران نسبت به جانباز است، در صورتی که به حساب شخص دیگری واریز می‌شود. از این رو پیشنهاد می‌شود که به خود زنان تعلق گیرد. سپس مشکلات حقوقی زنان ایثارگر بررسی شد. قوانین کنونی تأمین‌کننده نیاز همه زنانی که مستقیم یا غیرمستقیم در جنگ حضور داشتند، نیست. بنابراین تا زمان تصویب قانون در این مورد، پیشنهاد این است که تفاهم‌نامه کلی میان اسکودا (اتحادیه سراسری کانون وکلا کشور) و بنیاد شهید و امور ایثارگران کشور امضا شود که ایثارگران در اولویت استفاده از خدمات وکلای معاضدتی قرار گیرند. شایان اشاره است که این اقدام به صورت استانی توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران استان‌ها با مرکز وکلای قوه قضاییه در تعدادی از استان‌ها انجام گرفته است. اما آنچه مورد نظر است، تفاهم‌نامه سراسری است که همه کانون‌های وکلا یا مراکز وکلای قوه قضاییه تبعیت کنند. از سوی دیگر با تشکیل کلینیک‌های حقوقی می‌توان از ظرفیت دانشگاه‌ها در این زمینه بهره گرفت. در حال حاضر برخی دانشگاه‌ها این کلینیک‌ها را تأسیس کرده‌اند، که تنها در زمینه مشاوره به خانواده‌ها استفاده می‌شود. این امر می‌تواند در قالب آیین‌نامه نیز اجرایی شود. در این نوشتار نگهداری از کودکان و موضوع حضانت آنان به‌ویژه اداره امور مالی آنها بررسی شد. زمانی که مادر قیم باشد، مشکلی در این زمینه وجود ندارد. اما دشواری اصلی زمانی جلوه می‌کند که مادر حق حضانت و جد پدری عهده‌دار امور مالی کودک باشد. این بخش از دشوارترین بخش‌های قانون‌نگاری به دلیل وجود سابقه در فقه است. می‌توان با اتکا به پویایی فقه و بهره‌گیری از کمک فقیهان آگاه به زمان این مشکل را حل کرد.

۷. پیشنهادها

۱. گسترش قلمرو قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب مصوب سال ۱۳۷۴ به همسر و دختران جانبازان. در قانون پیش‌گفته کاهش ساعت کاری تنها به جانبازان اختصاص یافته است. از این رو شایسته است این حق برای همسر و دخترانی که عهده‌دار نگهداری و انجام کارهای مربوط به همسران و پدران خود هستند، توسعه یابد.
۲. اصلاح جزء ۶ بند «ب» ماده ۸۸ قانون پنج‌ساله ششم توسعه، در برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه. عبارت مدت نگهداری حذف و بدین شکل اصلاح شود: «همسران جداشده شهیدان در صورتی که فرزند یا فرزندان شهید را پس از شهادت او نگهداری کنند، با تأیید بنیاد شهید ماهانه معادل دوسوم حقوق کارکنان دولت دریافت می‌کنند.»
۳. پرداخت حق پرستاری به‌منظور جبران فعالیت‌ها و زحمات‌های همسران جانبازان پیش‌بینی شده،

اما به حساب شخص دیگری (جانباز) واریز می‌شود. از این رو پیشنهاد می‌شود با توجه به فلسفه وجودی این حق، مبلغ یادشده به حساب همسران جانباز واریز شود.

۴. توسعه قلمرو ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۲۰۳ قانون استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به زنان و فرزندان جانبازان. به موجب بندهای «الف» و «ج» ماده آیین‌نامه یادشده، حق استفاده از خدمات این دفاتر تنها شامل رزمندگان و جانبازان بالای ۲۵ درصد است.

۵. امضای تفاهم‌نامه همکاری میان بنیاد شهید و کانون وکلای دادگستری سراسر کشور و مرکز وکلا و مشاوران قوه قضایی به منظور همکاری وکیل‌های باتجربه با خانواده‌های شهدا و جانبازان که علاوه بر امضای تفاهم‌نامه، تأمین بودجه در این زمینه نیز ضروری است.

۶. در نظر گرفتن حق اولویت نسبت به اداره امور مالی فرزندان (کودک) شهیدان با وجود جد پدری به مادر. در این زمینه می‌توان با استفاده از فقه پویا و در نظر گرفتن شرایط روز، این مشکل را حل کرد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. خمینی موسوی، روح‌الله (بی‌تا). تحریر الوسیله، ج ۲.
۲. کولایی، الهه و حافظیان، محمدحسین (۱۳۹۹). نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی. چ سوم، تهران: دانشگاه تهران.

ب) مقالات

۳. اقدسی، علی‌نقی و عیدی، روح‌انگیز (۱۳۹۰). بررسی رابطه سلامت روانی و راهبردهای مقابله‌ای در بین جانبازان قطع نخاع شهرستان تبریز. فصلنامه علوم تربیتی، ۴(۱۶)، ۵۱-۶۷.
۴. جاوید، محمدجواد و نیک‌نژاد، سامان (۱۳۹۷). حق خوشبختی در جبران حقوق طبیعی جانبازان و ایثارگران. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۸(۱)، ۴۵-۶۴.
۵. ساعی، محمدهادی و کامیاب منصوری، نیلوفر (۱۳۹۵). حضانت در پرتو مصلحت کودک در زمان ازدواج مجدد مادر. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۶(۴)، ۷۷۱-۸۰۱.
۶. صادقی مقدم، محمدحسن و اماموردی، محمدحسن (۱۳۹۲). گونه‌هایی از ابهام در گزاره قانونی. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۵(۲)، ۱۳۷-۱۵۹.
۷. فکوهی، ناصر (۱۳۸۴). سازوکار تبعیض مثبت به مثابه ابزار محرومیت‌زدایی: با نگاهی به موقعیت زنان در

- ایران"، پژوهش زنان، ۳(۳)، ۱۱۵-۱۴۱.
۸. کولایی، الهه و عابدی، عقیقه (۱۳۹۱)، تأثیر جنگ عراق - ایران بر نقش‌های اجتماعی زنان در ایران. فصلنامه زن: حقوق و توسعه، ۱(۲)، ۳۳-۶۰.
۹. کولایی، الهه، سیمین بهبهانی، (۱۴۰۰)، تجربه زیسته زنان رزمنده در جنگ ایران و عراق و بازاندیشی در نقش‌های سنتی سیاسی و اجتماعی آنان، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۴(۱۶)، ۱۴۵-۱۸۰.
۱۰. گرجی، علی‌اکبر؛ زارع شهنه، علیرضا و فتحی، یونس (۱۳۹۱). دلایل مواجهه اولویت‌های استخدامی اینترگران و کهنه‌سربازان در حقوق ایران و آمریکا. حقوق بشر، ۷(۲)، ۱۱۲-۱۳۹.
۱۱. مظاهری، معصومه و افقهه، آلسادات (۱۳۹۵). نقدی بر محدودیت قانونی حضانت مادر پس از فوت پدر در نظام حقوقی ایران. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۲(۴۷)، ۵۰۱-۵۱۹.
۱۲. میرشکاری، عباس؛ مختاری، مرضیه و فراهانی، سید جواد (۱۳۹۵). توازن حقوق زنان در قانون اساسی با تعهدات و مشارکت شهروندی. پژوهشنامه زنان، ۷(۳)، ۱۴۷-۱۶۸.

ج) منابع اینترنتی

۱۳. خبرگزاری دفاع مقدس (۱۳۹۷). مشکلات عمده جانبازان در زمینه درمان چیست؟ قابل دریافت: <https://defapress.ir/fa/news/297735/> (۷ خرداد ۱۴۰۰)

۲. انگلیسی

A) Books

- Bigio, J., & Vogelstein, R. (2016). *How Women's Participation in Conflict Prevention and Resolution Advance U.S. Interests*. Council on Foreign Relation.
- Black's Law Dictionary (2009). *edited by Bryan A. Garner*. Thomson Reuters.
- Gardam, J. G., Javaris, M. J. (2001). *Women, Armed Conflict and International Law*. The Huage; Boston: Kluwar International Law.
- Law Comission of India, (2015). *Reforms in Guardianship and Custody Laws in India, Report No.257*.
- National Action Plan for Implementation of the United Nation Security Council Resolution 1325, *Women, Peace and Security*, 2014 – 2018
- Panangala, S. V. (2006). *Vaaaaas' aaa hhhCare Issuss nn hle 109hh Congrsss*. CRS Report for Congress.
- Rayman, S. I., & Parker, E. (2018). *Special Report*, United States Institute of Peace.

B) Articles

- Gome, Andera, (2013). Coverage for Veterans with Post-Traumatic Stress Disorder: A Survey Through the War. *Connecticut Insurance Law Journal*, 19(2), 325-362.
- Kelly, Joan B. (1994). The Determination of Child Custody. *The Future of Children*,

- 4(1), 121-142.
10. Lewis, Gregory B, (2013). The Impact of Veterans' Preference on the Composition and Quality of the Federal Civil Service. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 23(2), 247-265.
 11. Lindsay, S. M. (1918). Purpose and Scope of War Risk Insurance. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 79, 52-68.
 12. Sabreen, M. (2017). Law on the Custody of Children in Pakistan: Past, Present and Future. *LUMS Law Journal*, 4(1), 72-95.
 13. Smith, D. M. (2019). Keeping It in the Family: Minor Guardianship as Private Child Protection. *Connecticut Public Interest Law Journal*, 18(2), 271-354.
 14. Stimson, J. P. (2004). Veterans' Preference Act of 1944. In: B. K. Landsberg (Ed.). *Major Acts of Congress*, 3, 261-264. New York, NY: Macmillan Reference USA.
 15. Switzer, S. J.-A. (2016). Employment Policies for Post 9/11 Veterans: Lessons Learned and a Vision for the Future. *SPNHA Review*, 12(1). 110-127.
 16. Westergard, C. (2020). Questioning the Sacrosanct: How to Reduce Discrimination and Inefficiency in Veterans Preference Law. *Seattle Journal for Social Justice*, 19(1), 39-89.

C) Websites

17. Harvard Law Today, (2020), Veterans Legal Clinic Report Documents VA's Systemic Denial of Health Care to Veterans with 'Bad Paper' Discharges", Available at: <https://today.law.harvard.edu/new-report-from-harvard-law-schools-veterans-legal-clinic-documents-the-vas-systemic-denial-of-health-care-to-veterans-with-bad-paper-discharges>. (Accessed on: 16 October 2021)
18. Larson, Arson, (2018), "What Is Child Custody", Available at: <https://www.expertlaw.com/library/family-law-and-divorce/what-child-custody>. (Accessed on: 15 October 2021)
19. The Veteran Consortium, (No Data), "Our History", Available at: <https://www.vetsprobono.org/about>, (Accessed on: 20 October 2021)
20. U.S. Department of Veterans Affairs. (2012), "A Brief History of the Veterans Health Administration", Available at: https://www.va.gov/opa/publications/archives/docs/history_in_brief.pdf. (Accessed on: 18 October 2021)
21. U.S. Department of Veterans Affairs. (2021), "Brief History of the Bath and Canandigu VA Medical Centers", Available at: <https://www.va.gov/finger-lakes-health-care/about-us/history>. (Accessed on: 17 October 2021)